

# محمدکریم پیرنیا

## پایه گذار مرمت

### واحیای آثار تاریخی

سید مهدی سجادی نایینی\*

داشت. مرحوم پیرنیا به هنگام عبور و مرور روزانه از این محله قدیمی، آثار موجود در آنرا مشاهده می کرد و هر روز بیشتر محو آنها می شد.

توجه به معماری سنتی و علاقه به بناهای تاریخی، حتی در بازیهای کودکانه او نیز راه یافته بود. به طوری که در تابستانهای گرم یزد، هنگام سفر به بیلاق، با گل، ساختمانهای کوچکی می ساخت که در ساخت آنها همین بناها الهام بخش وی بودند. او آنچه را ساخته بود در آفتاب خشک می کرد. دقتی که این کودک در ساخت این بناها به کار می برد به حدی بود که پس از پایان فصل بیلاق و نقل مکان به یزد، بزرگترها این ساختمانهای زیبا را خراب نمی کردند.

مرحوم پیرنیا به تدریج با استادان و معماران سنتی یزد آشنا شد و کوچکترین فرصتی را برای

\* - کارشناس میراث فرهنگی.

دکتر مهندس محمدکریم پیرنیا، معمار برجسته و مرموگر بی بدیل آثار تاریخی، فرزند میرزا صادق خان پیرنیا در سال ۱۳۰۱ شمسی در یزد متولد شد.

وی از طرف مادر نایینی و نواده حاج محمدبن حاج عبدالوهاب، عارف مشهور است. تحصیلات دبستانی و دبیرستانی را در مدارس «اسلام» و «ایران شهر» یزد به انجام رسانید و در سال ۱۳۱۸ وارد «دانشکده هنرهای زیبا» گردید.

مرحوم پیرنیا ذوق و شوق و گرایش به معماری و عشق به بناهای تاریخی را از پدر به ارث برده بود. علاوه بر آن میراث فرهنگی یزد نیز به عنوان یکی از غنی ترین فضاهای فرهنگی کشور از کودکی او را تحت تأثیر قرار داده بود.

به گفته خود استاد، خانه ای که ایام کودکی و نوجوانی وی در آن می گذشت در محله ای واقع شده بود که بیشترین آثار تاریخی یزد در آن قرار

آغاز شده بود «... در زمان ناصرالدین شاه به حد  
اعلای خود رسیده بود. به حدی که از هر چیز که  
ایرانی بود پرهیز می‌کردند حتی طرح خانه  
ایرانی...»<sup>۱</sup>

مطالعه عمیق مهندس پیرنیا در معماری اسلامی  
ایران باعث شد تا در برابر این خودباختگی‌ها  
مقاومت کند و به تدریج اختلاف سلیقه عمیقی بین  
او و «آندره گدار» رئیس دانشکده به وجود آید.  
اختلافی که بالاخره استاد پیرنیا را ناگزیر کرد  
دانشکده را ترک کند. در این زمان مهندس پیرنیا  
برای گذران زندگی برای مجلات، داستانهای کوتاه  
می‌نوشت. در تمام این داستانها نیز عشق به میراث  
فرهنگی و بناهای تاریخی مشهود است.

در سال ۱۳۲۴ شمسی، مرحوم پیرنیا به وزارت  
فرهنگ رفت و پروژه‌ای را به اجرا در آورد که در آن  
زمان مدرسه‌های ارزان‌قیمت یا نویناد نامیده  
می‌شد.<sup>۲</sup> در طی این پروژه مهندس پیرنیا توانست با  
استفاده از عناصر معماری اسلامی ایرانی،  
ساختمان مدارس بسیاری را در روستاها و  
شهرهای کشور به پایان برساند.

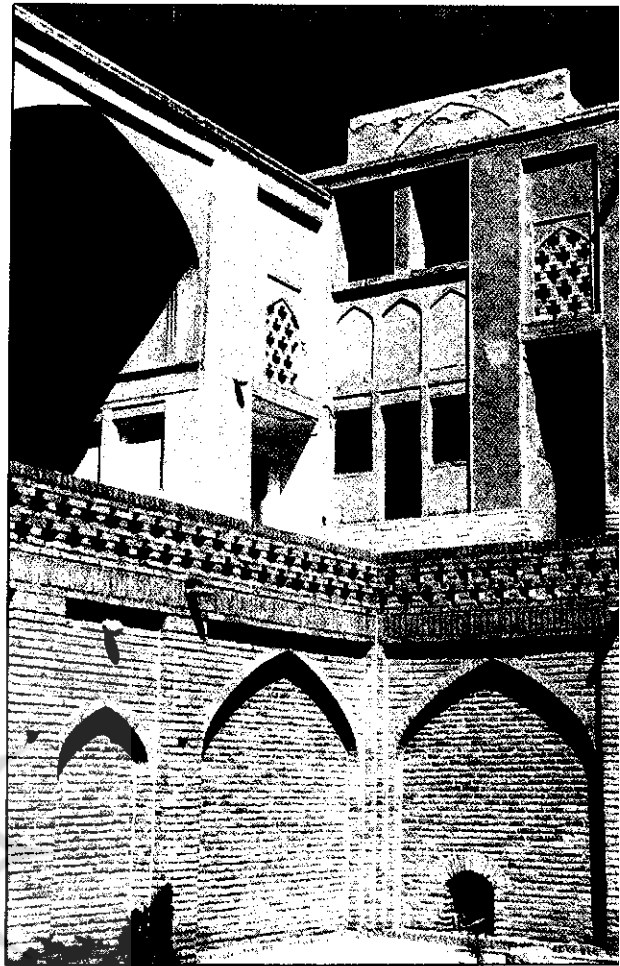
با تأسیس وزارت فرهنگ و هنر، مرحوم پیرنیا  
به آن وزارتخانه رفت و در سازمان ملی حفاظت  
آثار باستانی به کار پرداخت. همزمان با کار در  
این سازمان، با علاقه و پشتکار فراوان به کار  
تدریس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران  
و سایر دانشکده‌های معماری پرداخت و مهندسان  
و معماران بسیاری افتخار شاگردی او را  
به دست آوردند.<sup>۳</sup>

مهندس پیرنیا در دانشکده هنرهای زیبا،  
دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه  
شهیدبهشتی، سازمان جهانگردی، دانشگاه فارابی،

۱- محمدرکیم پیرنیا، تحقیق در معماری گذشته ایران، تدوین  
دکتر غلامحسین معماریان، از انتشارات دانشگاه علم و  
صنعت ایران، ص ۱۶.

۲- مجله اثر، شماره ۲۸، سال ۱۳۷۶، ص ۲.

۳- همان مأخذ، همان صفحه.



خانه مرحوم پیرنیا که اکنون  
موزه مردم‌شناسی نایین است.  
(عکس از: مهرداد ادهمی)

مجالست با آنها و استفاده از تجربیات گرانبارشان از  
دست نمی‌داد. این موشکافی‌ها و پژوهش‌ها  
آنچنان با دقایق معماری سنتی آشنایش کردند که  
وقتی در سال ۱۳۱۷ در عداد ۷ نفر پذیرفته شدگان  
امتحان ورودی دانشکده هنرهای زیبا به این مرکز  
علمی راه یافت، با وجود سن و سال کم،  
چیزهایی می‌دانست که همدرسان و حتی  
استادانش را حیرت‌زده می‌کرد.

در آن روزگار رئیس و استادان این دانشکده  
(که مدرسه عالی معماری نامیده می‌شد) خارجی  
بودند. دلباختگی به خارجی‌ان که از زمان قاجار



«... اینها حق بزرگی به گردن من دارند، این کار من در کارهای دانشکده نیز تأثیر گذاشت...»<sup>۶</sup>

آنها که سخنرانی‌های استاد پیرنیا را به خاطر دارند می‌دانند که او در هر صحبت و هر بحث و یا در هر سمینار و کنفرانس، جایی را در سخنانش برای استادکاران می‌گذاشت و از آنها به نیکی یاد می‌کرد. او می‌گفت: معماری سنتی ایران بدون این استادکاران به اصطلاح «بی‌سواد» راه به جایی نخواهد برد.

مهندس پیرنیا در اروپا نیز مشهور و نامدار بود. در این باره در مصاحبه‌ای گفته بود: آنقدر دانشجویان ایتالیایی برای کارهای عملی و پروژه‌های تحقیقاتی به او مراجعه کرده بودند و آنقدر کروکی‌های تهیه شده او را به زبان ایتالیایی ترجمه و به دانشکده ارائه داده بودند که یکی از رؤسای دانشکده‌های معماری ایتالیا گفته بود: «ما سیصد و اندی دکترا به پیرنیا دادیم...»<sup>۷</sup>

خدمات مهندس پیرنیا به میراث فرهنگی و کوشش‌ها و پایمردی‌های او در حفظ این آثار

پرديس اصفهان و دانشگاه علم و صنعت، آموخته‌های خود را با آنچه از معماران سنتی فرا گرفته بود همراه با تحلیل‌های علمی، سخاوتمندانه در اختیار شاگردان خود قرار می‌داد.

کسانی که با معماری و شیوه‌های مرمت بناهای تاریخی آشنایی دارند به ارزش خدمات مهندس پیرنیا واقف‌اند و نقش او را در حفظ و احیای این آثار در نظر دارند. مرحوم پیرنیا مصمم بود معماری ایران را به جهانیان معرفی کند تا همه بدانند ایرانیان مؤسس مکتبی هستند که «... هم از حیث پرکاری در آثار و هم از جهت تعداد بناهای ساخته شده، دامنه گسترده‌ای در منطقه نفوذی، از عراق کنونی، هندوستان تا اندونزی داشته است...»<sup>۴</sup>

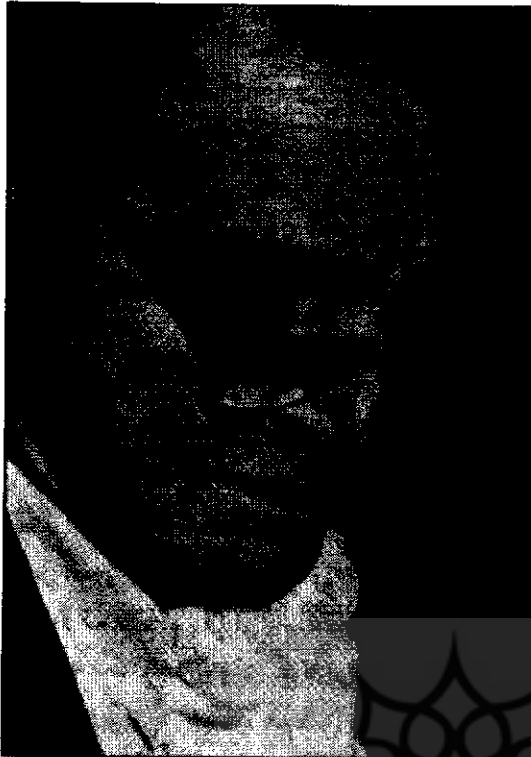
مهندس پیرنیا با دانش عمیق و اشراف کاملی که بر معماری ایرانی - اسلامی داشت دریافته بود که معماری سنتی ایران، دنیایی رمز و راز در خود نهفته دارد. او برای درک صحیح این رمز و رازها با همه استادکاران صحبت می‌کرد و ساعتها در کنار معماران و بناها و مقنن‌ها می‌نشست. پس از گذشت سالها، استاد پیرنیا به مناسبت‌های مختلف نام این استادکاران را با غرور و افتخار ذکر می‌کرد و با صداقتی درخور تحسین و تواضعی عجیب به هر یک لقبی می‌داد. مثلاً با اطمینان می‌فرمود: «... استاد محمدعلی واقعاً یک دانشمند بود...»<sup>۵</sup> یا:

۴- تحقیق در معماری گذشته ایران، ص ۴۸.

۵- تحقیق در معماری گذشته ایران... ص ۱۷.

۶- تحقیق در معماری گذشته ایران... ص ۱۷.

۷- تحقیق در معماری گذشته ایران... ص ۲۶.



کسانی که با معماری و شیوه‌های مرمت بناهای تاریخی آشنایی دارند به ارزش خدمات مهندس پیرنیا واقفاند و نقش او را در حفظ و احیای این آثار در نظر دارند. مرحوم پیرنیا مصمم بود معماری ایران را به جهانیان معرفی کند تا همه بدانند ایرانیان مؤسس مکتبی هستند که «... هم از حیث پرکاری در آثار و هم از جهت تعداد بناهای ساخته شده، دامنه گسترده‌ای در منطقه نفوذی، از عراق کنونی، هندوستان تا اندونزی داشته است...»

«شیوه‌های معماری ایران» و «آشنایی با معماری ایران» چاپ و منتشر شده است. مرحوم پیرنیا علاوه بر نوشتن داستانهای کوتاه، شعر نیز می‌سرود و «پروین» تخلص می‌کرد.

استاد پیرنیا در سال ۱۳۷۳ به کسب دکترای افتخاری از دانشگاه تهران نایل شد. این استاد تا واپسین لحظات زندگی، علی‌رغم کسالت‌های مفرط و مزمن و درد و فشار بیماری دست از تعلیم و تدریس بر نداشت. وی علاوه بر دانش فنی و مهارت هنری، انسانی عارف، ادیب و وارسته بود و همکاران و شاگردانش برای او احترامی خاص قایل بودند.

مرحوم پیرنیا به دنبال یک بیماری طولانی در روز نهم شهریور ۱۳۷۶ چشم از جهان فرو بست. پیکر پاک این خادم واقعی میراث فرهنگی ایران پس از تشییع از جلوی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به یزد انتقال یافت و در دانشکده معماری دانشگاه یزد به خاک سپرده شد. روانش شاد و یادش گرامی باد.

به حدی است که بیان آنها دفتری جداگانه می‌طلبد. این استاد برجسته یکی از پایه‌گذاران مرمت و احیای آثار تاریخی ایران در نیم‌قرن اخیر است که در تمامی ابعاد با معماری سنتی ایران آشنا بود.

برخی از خدمات این بزرگمرد عبارت‌اند از: (۱) احیای سردر باغ فین کاشان، (۲) حفظ سردر حرم حضرت عبدالعظیم<sup>(ع)</sup> و تعمیر کتیبه آن (مرحوم پیرنیا با تعمیر این کتیبه ثابت کرد که بنیانگذار این مجموعه [مجدالملک قمی] وزیر شیعه دوران سلجوقی بوده است)، (۳) تعمیر مسجد جامع ورامین، (۴) احیای مسجد کبود تبریز، (۵) احیای باغ دولت‌آباد یزد، (۶) احیا و مرمت مسجد جامع فهرج یزد، (۷) احیای رباط انوشیروان بین سمنان و دامغان، (۸) احیا و بازسازی صدها خانه قدیمی در اصفهان و تهران و سایر شهرها نیز از اقدامات دیگر آن مرحوم است.

آثار، مقالات و کتب متعددی نیز در زمینه‌های معماری سنتی ایران از استاد باقی مانده است. درسهای او نیز به صورت ۲ جلد کتاب تحت عنوان